

جریان‌شناسی نهضت‌های اسلامی در جهان اسلام

با تمرکز بر بیداری اسلامی در خاورمیانه و شمال آفریقا

محسن محمدی^۱

چکیده:

تمدن اسلامی تاریخ پرفراز و نشیبی دارد. مسلمانان در صدر اسلام با تکیه بر ایمان و تلاش علمی و سیاسی خود جوامع متحد و منسجمی ایجاد کردند اما حمله مغولان و جنگ‌های صلیبی، تمدن اسلامی را با چالش جدی مواجه ساخت و شکوفایی مجدد آن در ایران، عثمانی و هند با سیاست‌های استعماری غرب متوقف شد. در مقابل این چالش، نهضت‌های اسلامی در جهان اسلام شکل گرفت.

این مقاله در صدد تحلیل این نهضت‌ها در بستر تمدن اسلامی است. بر این اساس ابتدا مروری اجمالی بر سیر تمدن اسلامی داشته و سپس بیداری اسلامی را در چهار موج تحلیل نموده است. بیداری اسلامی ابتدا نخبگان جهان اسلام را در بر گرفت. آنها نظرات مختلفی برای برون‌رفت جهان اسلام از دوران رکود ارائه دادند. در ادامه مردم مسلمان به صحنه آمدند و بیداری اسلامی جنبه مردمی و عمومی یافت و در برخی نقاط به پیروزی رسید.

واژگان کلیدی: نهضت‌های اسلامی، تمدن اسلامی، بیداری اسلامی، استعمار، ملی‌گرایی، هویت دینی.

مقدمه

شناخت پدیده‌های سیاسی و اجتماعی با توجه به بستر تاریخی آنها از جامعیت و غنای بیشتری برخوردار است. جنبش‌های اجتماعی نیز که از مهم‌ترین تحولات جهان اسلام در دو سده اخیر است از این قاعده مستثنی نیست. هرچند فهم این جنبش‌ها در زمان رویداد آنها مشکل است ولی دستیابی به دیدی جامع از طریق فهم آنها در بستر تاریخ اسلام ممکن است.

از این رو برای اینکه جایگاه بیداری اسلامی در تحولات سیاسی اجتماعی جهان اسلام در طول تاریخ مشخص شود، براساس جامعه‌شناسی کلان جهان اسلام، مروری گذرا بر تاریخ اسلامی خواهیم داشت. این موضوع از جهتی به فهم و تحلیل مسائل کنونی کمک می‌کند و از طرفی پیش‌بینی و چشم‌انداز بیداری اسلامی را نیز متحول می‌کند. به این ترتیب نیم‌نگاهی نیز به مسائل فلسفه تاریخی خواهیم داشت تا دیدی کلان و منسجم از رویدادها داشته باشیم و بتوانیم آنها را در افق و بستر تمدن اسلامی تحلیل و جریان‌شناسی کنیم.

این مقاله در صدد پاسخ به این پرسش است که آیا بیداری اسلامی حادثه‌ای بریده و مجزا از تاریخ تحولات جهان اسلام است یا اینکه مبتنی بر نوعی پیوستار فرهنگی-تاریخی و نگاهی تکاملی در تحلیل مسائل اجتماعی می‌توان گفت جنبش‌های دو سده اخیر جهان اسلام جدا و منفک از تاریخ کلان جهان اسلام نیست بلکه در ذیل یک تمدن عظیم قابل فهم و تحلیل است. از این رو برای فهم این پیوستار تاریخی-تمدنی ابتدا مروری کلی بر پیشینه تمدنی بیداری اسلامی خواهیم داشت. سپس بیداری اسلامی را به عنوان نقطه عطفی در این مسیر در ۴ موج بررسی می‌کنیم.

چارچوب نظری

جنبش‌های اسلامی بر اساس مدل‌ها و چارچوب‌های گوناگونی تحلیل شده‌اند. برخی از این مدل‌ها رویکردی سکولار دارند و این جنبش‌ها را با اهداف و ماهیتی

دموکراسی خواهانه و اقتصادی تحلیل می‌کنند مانند نظریه هژمونی^۱ و نظریه جهان سومی‌های جدید^۲. برخی دیگر نیز رویکردی دین‌گرایانه دارند مانند نظریه استعمار^۳ خورشید احمد.^۴ این نظریات جنبش‌های اسلامی را با دید فرازمانی و جریان‌شناسانه بررسی نکرده‌اند بلکه جنبش‌های اسلامی را در سال‌های روی دادشان تحلیل کرده‌اند. هر ایر دکمجان^۵ از اندیشمندانی است که جنبش‌های اسلامی را در بستری تاریخی و با دید جامعه‌شناسی کلان بررسی کرده است. او معتقد است:

برای هر گونه بررسی جامع در مورد جنبش‌های اسلامی معاصر، باید در مورد ریشه‌های روانی - معنوی سیاسی، اجتماعی و اقتصادی آن و محیطی که بسترگاه عقاید و اعمال بنیادگرایانه است، تحقیق کرد. براساس یک الگوی تجربی - تاریخی، میان بحران‌های اجتماعی و ظهور جنبش‌های مذهبی انقلابی و یا تجدید حیات طلبانه که می‌خواهند نظم رسمی موجود را از بین ببرند و جامعه‌ای نوین بر پایه برنامه ایدئولوژیک ویژه خود به وجود بیاورند، رابطه علت و معلولی وجود دارد.

او معتقد است که ره یافت‌های نوسازی غربی و مارکسیستی، شناخت واقعی پدیده احیاگرایی اسلام را امکان پذیر نمی‌سازد. بدین خاطر تأکید می‌کند که برای شناخت صحیح این پدیده درک گفتمان اسلام‌گرایانه و توجه به تحولات اجتماعی - فکری و

۱. یکی از برجسته‌ترین نمونه‌های این نگرش را می‌توان در دیدگاه توماس بوتکو، استاد علوم سیاسی دانشگاه آبرتا دید. برای بررسی نظرات ایشان ر.ک:

"Revelation or Revolution: A Gramscian Approach to The rise of Political Islam. Thomas j. Botko , British Journal of Middle Eastern studies. Vol ۳۱, No ۱, May ۲۰۰۴.

۲. ر.ک: آینده اسلام و غرب، ص ۱۱۸ - ۱۱۶.

۳. ر.ک: جامعه‌شناسی سیاسی جنبش‌های اسلامی، حمید احمدی، ص ۲۸ و ۲۷.

۴. محقق پاکستانی و عضو جماعت اسلامی پاکستان. ۴

۵. او یک مسیحی ارمنی است که به گفته خود در یکی از کشورهای اسلامی منطقه خاورمیانه متولد و پرورش یافته است. او با تسلط بر زبان‌های عربی و فارسی و رجوع به منابع دست اول به ویژه آثار عربی نظریه پردازان جنبش اسلامی، به عنوان استاد علوم سیاسی دانشگاه کالیفرنیا و نیویورک توانسته است اطلاعات اولیه و اصیل را در قالب تحلیل‌های جامعه‌شناسی سیاسی ارائه دهد. برای مطالعه نظریات او ر.ک: اسلام در انقلاب، جنبش‌های اسلامی معاصر در جهان غرب (بررسی پدیده بنیادگرایی اسلام)، هر ایر دکمجان، ترجمه حمید احمدی، کیهان، چاپ سوم، تهران، ۱۳۷۷.

سیاسی جوامع اسلامی لازم است.

به نظر او جهان اسلام برای بیش از دو قرن شاهد یک بحران طولانی اجتماعی - فرهنگی، اقتصادی و از همه مهم‌تر روحی بوده است و نهضت‌های اسلامی برای احیای مجدد دین اسلام به پا خواسته‌اند. چنانکه در طول تاریخ اسلام، در برابر هر سقوط و انحطاط، یک جنبش فکری یا سیاسی رستاخیزی رخ داده است.^۱

دکمجیان جنبش‌های اسلامی را پدیده‌ای دوره‌ای می‌داند. از نظر او این حرکت‌های رستاخیزی در طول تاریخ جوامع مسلمان در شرایطی ظهور می‌کند که جامعه اسلامی در یک محیط بحرانی گسترده گرفتار می‌شود.^۲

بر اساس این مدل قصد داریم به روش تاریخی و با رویکرد جامعه‌شناسی کلان این موضوع را بررسی کنیم که جنبش‌های اسلام در بستری فراختر به عنوان تمدن اسلامی قابل تحلیل است. این رویکرد نوعی پیوستار محتوایی و نظری در تحلیل جنبش‌های اجتماعی ایجاد می‌کند که حاکی از ابعاد و اولویت‌های دینی این جنبش‌هاست.

مروری بر پیشینه تمدنی بیداری اسلامی

بررسی تاریخ اسلام نشان می‌دهد که فرهنگ و تمدن اسلامی مسیری مضبوط و دقیق دارد و بر پایه منطقی قابل درک و بیان‌شدنی شکل گرفته که احتمالاً تبلور همان فلسفه تاریخ اسلام است و این تاریخ تکرار می‌شود.^۳

۱. ر.ک: اسلام در انقلاب نه جنبش‌های اسلامی معاصر در جهان غرب (بررسی پدیده بنیادگرایی اسلامی)، ص ۵۸ و ۵۷.

۲. ر.ک: جامعه‌شناسی سیاسی جنبش‌های اسلامی، حمید احمدی، ص ۳۱ - ۲۸.

۳. اصولاً تحولات اندیشه سیاسی در اسلام را از لحاظ زمان شناسی و ادوار تاریخی نباید با سه مرحله تاریخ غرب (عهد یونانیان، قرون وسطی و رنسانس) منطبق کرد. فلسفه تاریخ و نمودار ادوار اساسی تحول در تمدن اسلامی، مختصات خاصی دارد که عمدتاً در پنج دوره تاریخی (سه دوره رشد و اعتلا و دو دوره زوال و انحطاط) قابل بررسی است.

«تمدن اسلامی از قرون اول تا قرون پنجم قمری روبه ترقی گذاشت. سپس رفته‌رفته تنزل کرد و با حمله مغول به حلیض مرگباری در افتاد و آثار عمده عظمت سیاسی و فرهنگی آن یکسره ویران شد. با این همه این تمدن از میان نرفت و بار دیگر اوج گرفت. در مرحله دوم ترقی که از آخرین دهه قرن هفتم تا پایان قرن یازدهم ادامه یافت، در سرزمین اسلام سه امپراتوری از بزرگترین امپراتوری‌های جهان یعنی امپراتوری عثمانی، ایران دهند استقرار یافت. این مرحله از اعتلا، بار دیگر از آغاز قرن دوازدهم تا اواسط قرن سیزدهم رو به افول گذاشت و اینک تقریباً در همه سرزمین‌های اسلامی، نشانه‌هایی از سومین موج به چشم می‌خورد. (تاریخ فلسفه در اسلام، م.م. شریف، ج ۱، ص ۳، مرکز نشر دانشگاهی، تهران، ۱۳۶۲؛ همچنین ر.ک: آینده‌نگری

مرحله اول تاریخ اسلام با دعوت پیامبر اکرم ۹م از مکه آغاز شد و این همان آغاز حرکت در تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی بود.

مرحله دوم این حرکت مهم تاریخ بشر، با **تشکیل حکومت اسلامی** در یثرب شکل گرفت و از آن پس یثرب تبدیل به مدینه‌النبی شد. از این نام‌گذاری می‌توان به صورت نمادین استنتاج کرد که مدنیت اسلامی با این حرکت پایه‌گذاری شد.^۱

مرحله سوم گسترش اسلام بود شامل دو بخش: بخش اول، انتشار دین اسلام در جزیره العرب^۲ و بخش دوم، گسترش آن در جهان متمدن آن روزگار، شامل بین‌النهرین، ایران، روم، مصر، حبشه، هند، ماوراءالنهر، چین و ماچین، شمال آفریقا و سرانجام جنوب اروپا بود. اوج این مرحله در سده‌های اول و دوم هجری نمایان شد. این فتوحات علاوه بر اینکه به وسعت جغرافیایی جهان اسلام منجر شد، آثار اجتماعی، فرهنگی و جنبه‌های تبلیغی نیز داشت.^۳

مرحله چهارم مجاور شدن فرهنگ و تمدن نوپای اسلامی با تمدن‌های کهن جهان و کوشش برای شناخت و انتقال آن تمدن‌ها به حوزه تمدن اسلامی بود. این نهضت به شکل جدی از سده دوم آغاز و تا سده‌های سوم و چهارم هجری ادامه یافت. این انتقال تمدن از چند طریق انجام شد.^۴

بیداری اسلامی، احمد رضایی، صص ۲۵ - ۲۹؛ نهضت نرم‌افزاری (وابسته به انتشارات انقلاب اسلامی)، تهران، ۱۳۹۱).
 ۱. ر.ک: پویایی فرهنگ و تمدن اسلام و ایران (پیدایش و شکوفایی)، علی اکبر ولایتی، ج ۱، صص ۳۷ - ۴۶؛ مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه، تهران، چاپ اول، ۱۳۸۶.

۲. ر.ک: همان، صص ۴۱ - ۴۶.

۳. برای مطالعه بیشتر در این موارد ر.ک: تاریخ تحلیلی اسلام تا پایان امویان، سید جعفر شهیدی، صص ۷۲ - ۱۳۰، مرکز نشر دانشگاهی، تهران، ۱۳۶۳؛ تاریخ سیاسی اسلام، رسول جعفریان، ج ۲، صص ۳۹۳ - ۴۰۹، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران، ۱۳۶۹؛ خدمات متقابل اسلام و ایران، مرتضی مطهری، صص ۱۴۳ - ۳۰۰، تهران، صدرا، ۱۳۷۰؛ تاریخ گسترش اسلام، توماس واکر آرنولد، ترجمه ابوالفضل عزتی، صص ۲۹۰ - ۳۱۰، دانشگاه تهران، مؤسسه انتشارات و چاپ، ۱۳۸۵.

۴. البته این انتقال و تبادل علمی و فرهنگی علاوه بر جهات نرم‌افزاری و روشی از جهات سخت‌افزاری نیز جای بررسی دارد مثلاً مسلمانان در تولید، توزیع و استفاده از کاغذ جهت گسترش علم تلاش‌ها و ابتکارات فراوانی انجام دادند. برای مطالعه بیشتر در این خصوص ر.ک: پویایی فرهنگ و تمدن اسلام و ایران (پیدایش و شکوفایی)، علی اکبر ولایتی، ج ۱، صص ۵۸ - ۶۴.

الف) ترجمه، که جدی‌ترین شکل انتقال بود و در تاریخ نام آن را نهضت ترجمه گذاشته‌اند.^۱ در تاریخ قدیم تمدن‌ها، چنین حرکتی به لحاظ سرعت و حجم معارف انتقالی بی‌سابقه بود؛ برای نمونه فقط یک پدر و پسر (حُنین بن اسحاق و اسحاق بن حُنین) بیش از ۲۰۰ کتاب و رساله را از یونانی و سریانی به عربی ترجمه کردند.*

ب) تأسیس کتابخانه* دارالحکمه و نظامیه‌ها.^۲

ج) انتقال دانشمندان و به تعبیر امروز «جذب مغزهای متفکر» به مراکز علمی و آموزشی جهان اسلام.^۳

مرحله پنجم عصر خودجوشی و شکوفایی تمدن اسلامی بود که از سده سوم آغاز و تا سده پنجم هجری ادامه یافت.

۱. آثار مربوط به تاریخ تمدن اسلامی، این دوره را به تفصیل مورد بررسی قرار داده‌اند؛ از جمله مهم‌ترین آنها می‌توان به الفهرست نوشته ابن ندیم (ترجمه و تحقیق محمدرضا تجدد، امیر کبیر، تهران، ۱۳۶۶)، «طبقات الأُطباء» و کتاب «اخبار العلماء باخبار الحکماء» نوشته ابن ابی اصیبعه و «تاریخ الحکماء» نوشته ابن قفطی اشاره کرد. برای مطالعه بیشتر در مورد مراحل و تأثیر نهضت ترجمه در تمدن اسلامی ر.ک: پویایی فرهنگ و تمدن اسلام و ایران (پیدایش و شکوفایی)، علی اکبر ولایتی، ج ۱، صص ۷۵ - ۸۷.

*. برای مطالعه بیشتر در این خصوص ر.ک: انتقال علوم یونانی به عالم اسلامی، دلپسی اونز اولیری، ترجمه احمد آرام، صص ۲۵۸ - ۲۶۳، دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۴۲.

*. برای مطالعه در مورد حمایت از سنت آموزش و تأثیر آن بر شکوفایی و رشد جوامع اسلامی در طی قرون اولیه و همچنین چگونگی مراکز علمی و کتابخانه‌های معتبر در تاریخ اسلام ر.ک: تاریخ سرچشمه‌های اسلامی آموزش و پرورش غرب، مهدی نخستین، ترجمه عبدالله ظهیری، آستان قدس رضوی، مشهد، ۱۳۶۷، تاریخچه کتابخانه‌های ایران و کتابخانه‌های عمومی، رکن الدین همایون فرخ، اتحاد، تهران با تاریخ تمدن (کتاب چهارم، عصر ایمان)، ویل دورانت، ترجمه ابوالقاسم پاینده، سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، تهران، ۱۳۶۶؛ تاریخ علوم اسلامی، جلال الدین همایی، نشر هما، تهران، ۱۳۶۳؛ تاریخ آموزش در اسلام، احمد شلیبی، تاریخ آموزش در اسلام، ترجمه محمدحسین ساکت، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، ۱۳۶۱؛ تاریخ علوم عقلی در تمدن اسلامی، ذبیح الله صفا، دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۳۱.

۲. برای مطالعه بیشتر در این مورد ر.ک: پویایی فرهنگ و تمدن اسلام و ایران (پیدایش و شکوفایی)، علی اکبر ولایتی، ج ۱، صص ۸۹، ۹۹، ۵۴۵ - ۵۴۸.

۳. برای مطالعه بیشتر در این مورد ر.ک: تاریخ علوم در اسلام، سید حسن تقی‌زاده (به کوشش عزیز الله علیزاده)، صص ۷۸ - ۱۰۶؛ تاریخ نگارش‌های عربی، فؤاد سزگین، ترجمه و آماده‌سازی، مؤسسه نشر فهرستگان به اهتمام خانه کتاب، ج ۳، صص ۳۹ و ۴۰ (مقدمه)، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران، ۱۳۸۰؛ علوم اسلامی و نقش آن در تحولات علمی جهان، آلدو میدلی، ترجمه محمدرضا شجاع رضوی و اسدالله علوی، صص ۷۷ - ۸۴، آستان قدس رضوی، مشهد، ۱۳۷۱؛ تفکر یونانی، فرهنگ عربی (نهضت ترجمه کتاب‌های یونانی به عربی در بغداد و جامعه آغازین عباسی)، دیمیتری گوتاس، ترجمه محمد سعید حنایی کاشانی، صص ۳۴ - ۳۸، مرکز نشر دانشگاهی، تهران، ۱۳۸۱.

هرچند برخی بر این باورند که مسلمانان به‌عنوان امانت‌دار صادق و امین، علوم بشری را از یونان دریافت نمودند و در طی قرون متمادی حفظ و در نهایت با پیدایش نهضت ترجمه از زبان عربی به زبان لاتین که به‌ویژه از سده پانزدهم میلادی در اسپانیا رخ داد، آنها را به دنیای غرب باز پس دادند.^۱ ولی مسلمانان براساس مبانی فلسفی، انسان‌شناختی و هستی‌شناختی خود، تصرف‌های زیادی در راستای کاربردی کردن و توسعه علوم نمودند. این رشد علمی همه‌جانبه و عمیق در علوم گوناگون ریاضیات، نجوم، فیزیک و مکانیک، طب، شیمی، منطق و فلسفه، تاریخ، جغرافیا و ادبیات و زبان‌شناسی بود که زمینه ایجاد و تعمیق تمدن اسلامی را ایجاد نمود. بروزات این شکوفایی را در نظام‌های سیاسی، اجتماعی آن دوران و میراث کالبدی و معماری باقیمانده از این دوران به خوبی می‌توان مشاهده کرد.^۲ قوت و اعتبار این مرحله تمدنی اسلام در حدی است که سخن از تأثیر تمدن اسلامی در تمدن غربی به میان می‌آید.^۳

مرحله ششم عصر شکوفایی فرهنگ عمیق اسلامی و ادبیات عرفانی بود. پیوند عمیق عرفان و ادب از شگفتی‌های فرهنگ اسلامی است. این حوزه از چنان پشتوانه عظیمی برخوردار است که قابل مقایسه با هیچ فرهنگ دیگری نیست. بزرگانی از این خاستگاه به قله‌های رفیع دست یافتند و ستاره‌های برتر آسمان دانش بشری شدند. شکوفایی این مرحله از سده چهارم آغاز و در سده هفتم هجری به اوج خود رسید.^۴

مرحله هفتم عصر هنر بود. شاید این سنت منطقی تاریخ است که تا علوم عقلی و تجربی به کمال نرسد و تا معرفت انسان نسبت به هستی و حیات عمیق نشود و تا ادب به کمال خود نرسد هنر متعالی شده خط و نقاشی و معماری نمایان نخواهد شد.^۵ توان و

۱. برای نمونه ر.ک: از اوگوستن تاگالیه، علم در اواخر قرون وسطی و اوایل قرون جدید، آسی. کرومی. ترجمه احمد آرام، ج ۱، صص ۳۰ - ۵۰، تهران، ۱۳۷۳.

۲. برای مطالعه بیشتر ر.ک: پویایی فرهنگ و تمدن اسلام و ایران (پیدایش و شکوفایی)، ج ۱، علی اکبر ولایتی، ج ۱، صص ۱۱۷ - ۵۳۰.

۳. ر.ک: همان، صص ۵۳۵ - ۶۶۰.

۴. برای مطالعه بیشتر در این مورد ر.ک: پویایی فرهنگ و تمدن اسلام و ایران (پیدایش و شکوفایی)، ج ۱، علی اکبر ولایتی، صص ۲۸۳ - ۳۳۱.

۵. ر.ک: همان، صص ۴۸۷ - ۵۳۳.

جایگاه هنر اسلامی تا جایی پیش رفت که حتی تمدن غربی را نیز تحت تأثیر قرار داد.^۱ شگفت اینکه پس از دو ضربه سهمگین صلیبی‌ها و مغولان و از میان ویرانه‌های به‌جای مانده از آن بلایای خانمان برانداز، جنبش هنری قد برافراشت و بشارت دهنده تجدید حیات اسلام در عصر صفوی^۲ - عثمانی - گورکانی^۳ بود. از این رو، تصادفی نیست که اوج هنر اسلامی را از سده‌های نهم تا دوازدهم هجری در ایران و عثمانی و هند می‌بینیم.

مرحله هشتم عصر رکود بود. دو حمله بزرگ و طولانی صلیبی^۴ و مغول از مغرب و مشرق جهان اسلام یکی حدود دویست سال و دیگری حدود سیصدسال به درازا کشید، که با آثار و پیامدهایشان توان و رمق مسلمانان را گرفت و خرابی‌های بسیاری برجای گذاشت. آنچه از فرهنگ و تمدن اسلامی در مصر و شامات بافته بودند، به دست صلیبیان پنبه شد و آنچه در ماوراءالنهر، خراسان و عراق ساخته بودند، به وسیله مغولان ویران گردید. آنان، با خشونت و سنگدلی بی‌سابقه، در فرهنگ بالنده اسلامی روح ناامیدی دمیده و با تخریب شهرها، پایه مدنیت مسلمانان را سست کردند.^۵

با اینکه اسلام در ذات خود جوهر حرکت، دگرگونی و پیشرفت را دارد، ولی این دو حمله عظیم آثاری ویرانگر بر پیکره تمدن اسلامی بر جای نهاد که سرانجام به پیدایش عصر رکود انجامید که اوج این مرحله در سده هشتم و نیمه نخست سده نهم هجری است.

۱. ر.ک: همان، صص ۶۱۶ - ۶۶۰.

۲. ر.ک: همان، ج ۲، صص ۹۷۷ - ۹۸۲.

۳. ر.ک: همان، صص ۹۴۰ - ۹۵۱.

۴. در مورد تاریخ: مراحل و آثار جنگ‌های صلیبی برای نمونه ر.ک: تاریخ جنگ‌های صلیبی، رنه گروسه، ترجمه ولی الله شادان، فرزانه روز، تهران، ۱۳۸۴؛ جنگ‌های صلیبی، محمد رشاد، نشر اندیشه، تهران، ۱۳۷۳؛ جنگ‌های صلیبی، هانس ابرهارد مایر، ترجمه عبدالحسین، شاهکار، انتشارات دانشگاه شیراز، شیراز، ۱۳۷۱؛ علل و آثار جنگ‌های صلیبی، عبدالله ناصری طاهری، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، ۱۳۷۳؛ تاریخ قرون وسطی تا جنگ صد ساله، آلبر ماله و ژول ایزاک، ترجمه عبدالحسین هژیر، ابن سینا، تهران، ۱۳۴۳؛ برخی تاریخ نگاران در بخشی از آثار خود به این موضوع پرداخته‌اند؛ مانند گوستاو لوبون در کتاب تاریخ تمدن اسلام و عرب؛ ویل دورانت در ج ۴ کتاب تاریخ تمدن.

۵. برای مطالعه بیشتر در مورد حمله مغول و آثار تخریبی آن بر جهان اسلام ر.ک: امپراطوری صحرائوردان، رنه گروسه، ترجمه عبدالحسین میکده، علمی و فرهنگی، تهران، ۱۳۶۸؛ تاریخ مغول و اوایل تیمور در ایران، عباس اقبال آشتیانی، نشر نامک، تهران، ۱۳۷۶؛ مغول‌ها، دیوید مورگان، ترجمه عباس مجنر، نشر مرکز، تهران، ۱۳۷۱؛ مغولان و حکومت ایلخانی در ایران، شیرین بیانی، سمت، تهران، ۱۳۷۹؛ چنگیزخان، هارد لمب، ترجمه رشید یاسمی، امیرکبیر، تهران، ۱۳۸۱.

مرحله نهم خیزش دوباره جهان اسلام بود. شکست نهایی صلیبیها در شام و فلسطین به دست صلاح‌الدین ایوبی (۱۱۸۷م/ ۵۸۳ق) و مغولان در عین جالوت به دست ممالیک مصر (۱۲۶۰م)، محیط امنی را در شام، روم و شمال افریقا فراهم آورد که بسیاری از دستاوردهای علمی و فرهنگی باقی مانده را حفظ کرد.

در کنار دلاوری و شمشیر صلاح‌الدین ایوبی و پایداری ممالیک مصر باید از تدبیر و قلم خواجه نصیر الدین طوسی، خواجه شمس‌الدین صاحب دیوان، عطاملک جوینی، خواجه رشیدالدین فضل‌الله همدانی نام برد که به واقع خطر کردند و برای حفظ آنچه از ایلغار مغول باقی مانده بود، به کام اژدها رفتند و اغلب جان بر سر این کار گذاشتند و قطعاً اهمیت کار آنان از مجاهدان مصر و شام و فلسطین کمتر نبود.

با انتقال میراث باقی مانده فرهنگ و تمدن اسلامی در سرزمین‌های سوخته جهان اسلام، نهال‌های جدیدی سربرآورد و به درخت‌های تنومندی تبدیل شد و امپراتوری عثمانی^۱، سلسله صفوی^۲ و پادشاهی گورکانی^۳ سر برآوردند و اوضاع سیاسی جهان اسلام سامانی گرفت.

مرحله دهم هجوم استعمار و آغاز دومین دوره رکود بود. پس از رنسانس، کشورهای قدرتمندی در اروپا سر برآوردند و به دنبال مواد خام ارزان و پیدا کردن بازار مصرف برای کالاهای صنعتی خود، هجوم به جهان اسلام را آغاز کردند. پرتغالی‌ها به افریقا، هند، مسقط و ایران و انگلیسی‌ها به باختر و خاور افریقا و جنوب و جنوب شرقی آسیا و فرانسوی‌ها به مصر و افریقای شمال و غربی و ایتالی‌ها به شمال و شرق افریقا و هلندی‌ها به آسیای جنوب شرقی رخنه کردند. این پدیده از سده پانزدهم میلادی آغاز شد، ولی نقطه اوج سلطه غرب، سده نوزدهم میلادی بود.^۴ (سده یازدهم تا چهاردهم هجری)

۱. رک: پویایی فرهنگ و تمدن اسلام و ایران (از رکود تا بیداری اسلامی)، ج ۲، علی‌اکبر ولایتی، صص ۸۲۱ - ۹۱۷.

۲. رک: همان، صص ۹۵۳ - ۱۰۰۷.

۳. رک: همان، صص ۹۱۹ - ۹۵۱.

۴. برای مطالعه بیشتر در مورد تاریخچه، مراحل و اهداف و برنامه‌های استعمار و استعمارگران در جهان اسلام و ایران رک: چهره استعمارگر، چهره استعمارزده، آلبر مئی، ترجمه هما ناطق، خوارزمی، تهران، چاپ چهارم، ۱۳۴۹؛ فهم سیاست جهان

یورش دوم فرنگی‌ها را باید جنگ صلیبی دوم نامید که پیچیده‌تر از اولی بود و این بار صلیبیان با بیرق صلیبی آمدند و از تفنگ به‌جای شمشیر استفاده کردند و از آن مهلک‌تر کوشش آنان برای استحاله فرهنگی و تخریب باورهای مسلمانان و دیگر ملل تحت سلطه بود.

این حرکت فراگیر غربیان آثار ویرانگر خود را در جهان اسلام گذاشت و به تعبیر محمد قطب مسلمانان را به «عصر جاهلی» جدیدی سوق داد که شکلی تازه از استعمار فکری یا استعمار مزین به استدلال‌های فکری و فلسفی و مبتنی بر تفکر جدایی دین از عرصه اجتماع بود و به عنوان نمونه‌ای موفق در این رابطه، از تجربه غرب نام می‌بردند که ترقی آنها بر اثر رهایی سیاسی - اجتماعی غرب از «حاکمیت کلیسا» بود که از سده‌های تاریک به عصر روشنایی گام نهاد. اکنون بر شما مسلمانان است که برای ورود به جاده ترقی از اسلام جدا شوید!

این تبلیغات فرنگیان که مؤثرتر و کارگرت‌ر از گلوله‌های توپ آنها بود، شماری از دلسوختگان ساده‌اندیش و گروهی از سرخوردگان سیاسی - اجتماعی جوامع مسلمان را به خود جذب کرد و پدیده‌ای عجیب در جهان اسلام به وجود آمد که پیش‌تر سابقه نداشت، بدین معنا که جمعی از مسلمان‌زادگان، مبلغ بی‌جیره و موجب تفکر غربیان شدند! فرنگیها بهتر از این نمی‌توانستند موجب استحاله امت اسلامی شوند و لذا این راه و رسم استعماری را با اتخاذ شیوه‌های گوناگون ادامه داده‌اند، لیکن پیوسته تغییر شیوه می‌دهند. این دور از رکود جدی‌تر از رکود پس از حمله اول صلیبی و ایلغار مغول بود. در آن زمان، مهاجمان زمین‌گیر شده، مغلوب فرهنگ مسلمانانی شدند که در عرصه نظامی بر آنها پیروز شده بودند! ولی در رکود دوم، در آغاز، غلبه فرهنگی با مهاجمان بود و فناوری فرهنگ بی‌دینی را نیز با خود آورده بود.

سوم، برایان کلایو اسمیت، ترجمه امیر محمد حاجی یوسفی و محمد سعید قائنی نجفی، مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، تهران، ۱۳۸۰؛ مسائل سیاسی - اقتصادی جهان سوم، احمد ساعی، سمت، تهران، ۱۳۷۷؛ سیر تحولات استعمار در ایران، علیرضا ثقفی خراسانی، نشر نیکا، مشهد، ۱۳۷۵؛ خلیج فارس در عصر استعمار، روادالا، ترجمه شفیع جوادی، کتاب سحاب، تهران، ۱۳۶۴.

حمله فکری غرب برای استحاله فرهنگی مسلمانان، جهان اسلام را حیرت‌زده کرد. صرف‌نظر از پیامدهای آن یورش، این شوک، موجب پدید آمدن امواجی سازنده شده که بعدها پدیدآورنده دسته‌ای از جنبش‌های پیوسته تاریخی در جهان اسلام گردید که از آن به بیداری اسلامی یا دعوت برای بازگشت به اسلام تعبیر می‌کنیم.

مرحله یازدهم: بیداری اسلامی

حوادث ۲۰۰ سال اخیر در جهان اسلام را می‌توان، تاریخ بیداری اسلامی نامید. این مرحله از تاریخ بافت و خیزهایی، با توجه به شرایط خاص سیاسی، اجتماعی و فرهنگی در سرتاسر جهان اسلام اجرا شده است. البته از نظر زمان آغاز، سرعت و کیفیت تحولات یکسان بوده است مثلاً با وجود اینکه مراحل آغازین بیداری اسلامی در جهان عرب زودتر از ایران آغاز شد ولی انقلاب اسلامی ایران از بسیاری از انقلاب‌ها که حتی زودتر آغاز شده بودند، هم‌اکنون جلوتر است.

تعیین تاریخ دقیق برای بیداری اسلامی کاری مشکل است؛ اما در هر یک از این چهار سرزمین می‌توان از حادثه یا حوادثی به‌عنوان مبداء تاریخ بیداری و آشنایی با تمدن غرب، و بالمآل بیداری یاد کرد.

ناکامی دولت عثمانی در فتح وین (۱۰۹۴ق/۱۶۸۳م) و افتادن آژوف به دست روسیه (۱۱۰۸ق/۱۶۹۶م) و انعقاد قرارداد کارلوویتس (۱۱۱۱ق/۱۶۹۹م) میان روسیه و عثمانی که در آن برای اولین بار عثمانی در مقام دولتی شکست خورده قراردادی را امضاء می‌کرد و سرانجام از دست دادن شبه جزیره مسلمان نشین کریمه^۱ (۱۲۷۲ق/۱۸۵۶م)، شکست ایران از روسیه*، از دست رفتن داغستان، اران و شیروان و دیگر متصرفان ایران در قفقاز و امضای دو معاهده ننگین گلستان (۱۲۲۸ق/۱۸۱۳م) و

۱. برای مطالعه بیشتر در مورد تاریخ بیداری اسلامی در ترکیه ر.ک: پویایی فرهنگ و تمدن اسلام و ایران (از رکود تا بیداری اسلامی)، ج ۲، علی‌اکبر ولایتی، صص ۱۲۵۹ - ۱۲۸۵.

*. بیداری اسلامی در ایران را می‌توان بعد از جنگ‌های ایران و روس دانست که در ادامه در قالب پنج جنبش و نهضت بزرگ نمایان شد: قیام تحریم تنباکو، نهضت مشروطه، نهضت ملی شدن صنعت نفت، قیام پانزده خرداد ۱۳۴۱ و انقلاب اسلامی ۱۳۵۷ (ر.ک: تمدن برتر: نظریه تمدنی بیداری اسلامی و طرح عالم دینی، موسی نجفی، صص ۱۹ - ۲۶، آرما، اصفهان، ۱۳۹۰).

ترکمانچای^۱ (۱۲۴۳ق/ ۱۸۲۸م) و حمله ناپلئون به مصر (۱۲۱۳ق/ ۱۷۹۸م) و شام^۲ (۱۷۹۹م) و تسلط استعمار انگلیس بر شبه قاره هند و شکست مقاومت مسلحانه مسلمانان هند در مقابل انگلیس در نبرد پلاسی (۱۱۷۰ق/ ۱۸۵۷م)^۳ از مهم‌ترین حوادثی است که موجب آشنایی مردم این سرزمین‌ها با تمدن جدید و بیداری آنان شد. هر چند این قسمت از کشورهای اسلامی تأثیر و نقش عمده در جریان بیداری اسلامی داشته‌اند ولی بیداری اسلامی منحصر به آنها نیست بلکه بیداری اسلامی مربوط به کل جهان اسلام است. بر این اساس می‌توان در تاریخ دو بیست ساله اخیر کشورهای اسلامی در آسیای مرکزی، جنوب شرق آسیا، و شرق آفریقا^۴ بیداری اسلامی را رصد کرد. بر این اساس حتی بیداری اسلامی در غرب نیز قابل تحلیل است.^۵

با توجه به این تنوع و تفاوت‌ها، به‌طور کلی می‌توان ۴ موج برای بیداری اسلامی بیان کرد^۶ که هر مرحله شرایط و ویژگی‌های خاص خود را دارد و البته بر سایر مراحل نیز تأثیر دارد:

موج اول: دعوت

این مرحله بیشتر جنبه فرهنگی، معرفتی و شناختی داشت و در مورد نخبگان جهان اسلام روی داد. به عبارت دیگر نخبگان جهان اسلام اولین افرادی بودند که در مواجهه با صعود تمدنی و جریان استعماری غرب و استبداد حاکمان اسلامی، دوران اوج تمدن اسلامی را به یاد آوردند.^۷ البته مردم نیز در این دوره با تکیه بر گرایش‌های دینی، در

۱. برای مطالعه بیشتر در مورد تاریخ بیداری اسلامی در ایران، ر.ک: همان، صص ۱۱۹۵ - ۱۲۵۸.

۲. در مورد تاریخ بیداری اسلامی در جهان عرب، ر.ک: همان، صص ۱۱۷۱ - ۱۱۹۵.

۳. در مورد تاریخ بیداری اسلامی در هند، ر.ک: همان، صص ۱۲۸۵ - ۱۳۱۲.

۴. ر.ک: همان، صص ۱۳۲۹ - ۱۳۴۰.

۵. ر.ک: همان، صص ۱۳۴۱ - ۱۳۶۶.

۶. ر.ک: همان، صص ۱۳۸۹ - ۱۳۹۳.

۷. ر.ک: همان، صص ۱۳۶۷ - ۱۳۸۷.

۸. به‌طور کلی می‌توان تاریخچه بیداری اسلامی را در قرن سیزدهم، «فریاد و مبارزه» و در قرن چهاردهم «بیدارگری و اعلام» و در قرن پانزدهم «تجربه و عملکرد، نامیده (ر.ک: نظریه بیداری اسلامی در اندیشه سیاسی حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای، موسی نجفی، صص ۸ و ۹).

۹. ر.ک: پدرسالاری جدید، نظریه‌های درباره تغییرات تحریف شده در جامعه عرب، هشام شرابی، ترجمه احمد موثقی، فصل پنجم، کویر، تهران، ۱۳۸۵.

مقابل تهاجمات غرب و استعمار ایستادگی کردند ولی به‌طور کلی این مرحله از بیداری اسلامی فاقد تشکیلات و سیستم بود و با توجه به نامشخص بودن هویت سیاسی مدنظر مصلحان، بیشتر فردی بود تا اجتماعی و جریانی.^۱

دلیل فراگیر نشدن این اندیشه‌های رهایی بخش در سطح جامعه را می‌توان در دو امر جستجو کرد:

۱. عدم پذیرش در سطح حکومت گران^۲ و برخی نخبگان سیاسی و اجتماعی.
 ۲. ناآشنایی بدنه اجتماعی جوامع اسلامی (عموم مردم) با این نوع تفکر و مباحث.
- در این جریان اندیشه‌ای، با توجه به گستردگی و سابقه تمدنی جهان عرب، جریان شناسی اندیشه در جهان عرب اهمیت زیادی دارد.

اندیشه عرب* که در دوران معاصر بحران‌های پی‌درپی نقش اساسی در شکل‌گیری و دگرگونی آن داشته است^۳، مصداق این عبارت است که «اندیشه سیاسی به‌طور کلی معطوف به دوره بحران است»^۴. بخشی از این موضوع به بد فهمی روشنفکران عرب از مسائل جهان عرب و پذیرش راه‌حل‌های وارداتی بر می‌گردد که از کارایی آن کاست^۵. تلاش نخبگان جهان اسلام برای برون رفت از این افول تمدنی را می‌توان در جریان‌ها و مکاتب فکری و رویکردهای سیاسی و اجتماعی زیر خلاصه کرد.

۱. ر.ک: موج سوم بیداری اسلامی، عبدالله گنجی ارجنکی، صص ۵۹ و ۶۰ مؤسسه مطالعات اندیشه سازان نور، تهران، ۱۳۸۸.

۲. برای مطالعه در مورد تلاش‌های سید جمال الدین اسدآبادی جهت کسب همکاری سلاطین ایران و عثمانی ر.ک: زندگی و شرح احوال و آثار سید جمال الدین اسدآبادی، میرزا لطف الله خان اسدآبادی، سحر، تهران، ۱۳۵۶.

* برای مطالعه اندیشه سیاسی معاصر عرب از سه روش استفاده شده است: ۱. «جریان شناسی» که کتاب‌هایی مانند سیر اندیشه سیاسی عرب، نوشته حمید عنایت و کتاب گرایش‌های سیاسی در جهان عرب، نوشته مجید خدوری در این چارچوب قرار دارند؛ ۲. «مقوله شناسی» که طی آن مقوله‌های مهم جامعه و سیاست‌شناسی را در نظر داشته‌اند؛ کتاب اندیشه سیاسی در اسلام معاصر، نوشته حمید عنایت نمونه برجسته آن است؛ ۳. «متفکر شناسی» که کتاب‌های *Arabic thought in the liberal Ages* (تفکر عرب در عصر بیداری) university press, (oxford)، (۱۹۲۶) نوشته آلبرت حورانی و زعماء الاصلاح فی عصر الحدیث از احمد امین از آثار مهم در این سبک است.

۳. ر.ک: فهم نظریه‌های سیاسی، توماس اسپریکنز، ترجمه فرهنگ رجایی، ص ۱۷، آگاه، تهران، ۱۳۷۰.

۴. اندیشه سیاسی معاصر در جهان عرب، فرهنگ رجایی، ص ۱۷۱، مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات استراتژیک تهران، ۱۳۸۱.

۵. ر.ک: همان، ص ۱۱۸.

الف) الگوگیری از غرب برای پیشرفت و نوگرایی

مهم‌ترین ویژگی‌های این گرایش عبارتند از:

۱. اصالت و برتری تمدن غرب را می‌پذیرد^۱ و مسلمانان را برخوردار از این توانایی می‌داند که در کسب فناوری و تمدن غربی موفق عمل کند^۲ زیرا علم غربی را برگرفته از علوم اسلامی می‌پندارد.^۳
 ۲. رویکرد مثبت این گرایش به تمدن غربی سبب غفلت از چهره استعماری غرب شده است به طوری که به هیچ‌وجه جهت‌گیری ضد غربی ندارد و به غرب بی‌اعتماد و بد بین نیست و تضادی بین اسلام و تمدن اروپایی نمی‌بیند.^۴ البته با این وجود «از موضع قدرت به اروپاییان نگاه می‌کند».^۵
 ۳. آنان اندیشه پان‌اسلامی ندارند و نگرش آنان کاملاً محدود است.^۶ رفاعة طهطاوی، شبلی شمیم، خیرالدین پاشا تونسلی، طه حسین، یعقوب صنوع، میرزا ملکم خان، سید احمد خان از این دسته‌اند.^۷
- در مجموع این جریان اولویت‌ها و علقه‌های دینی نداشتند و به اسلام به‌عنوان برنامه جامع برای پیشبرد امور سیاسی و اجتماعی نمی‌نگریستند. بنابراین نتوانستند پایگاه مردمی به‌خصوص در بین متدینان کسب کنند. از این رو در وضعیتی که سرزمین‌های اسلامی به دلیل ضعف امپراطوری عثمانی در معرض هجوم نظامی و سیاسی غرب قرار گرفته بود^۸ و نخبگان و روشنفکران این کشورها بر اثر تبلیغ و تهاجم فرهنگی غرب به
-
۱. ر.ک: روشنفکران عرب و غرب، هشام شرابی، ترجمه عبدالرحمن عالم، صص ۵۲ و ۵۳، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و المللی، ۱۳۶۴.
 ۲. ر.ک: سیری در اندیشه سیاسی عرب، حمید عنایت، صص ۲۹ - ۳۳، امیرکبیر، تهران، ۱۳۷۶.
 ۳. ر.ک: روشنفکران عرب و غرب، هشام شرابی، ترجمه عبدالرحمن عالم، صص ۵۳ و ۵۵.
 ۴. ر.ک: روشنفکران عرب و غرب، هشام شرابی، ترجمه عبدالرحمن عالم، صص ۵۳ و ۵۴؛ تحدیات لها تاریخ، محمد عماره، ص ۱۷۵، بیروت، المؤسسة العربیة للدراسات، ۱۹۸۲ م.
 ۵. روشنفکران عرب و غرب، هشام شرابی، ترجمه عبدالرحمن عالم، ص ۵۳.
 ۶. ر.ک: سیری در اندیشه سیاسی عرب، حمید عنایت، ص ۳۴؛ اندیشه سیاسی معاصر در جهان عرب، فرهنگ رجایی، ص ۲۶.
 ۷. ر.ک: سیر تحول جنبش‌های اسلامی، صص ۲۹ و ۳۰.
 ۸. ر.ک: مسائل نهضت‌های اسلامی، کلیم صدیقی، ترجمه سید هادی خسروشاهی، ص ۵۶، اطلاعات، تهران، ۱۳۷۵؛

دنبال آرمان‌شهر غربی می‌گشتند،^۱ مردم به رهبری علمای دینی با تکیه بر گروه‌های پراکنده، کوچک و محلی در مقابل استعمارگران ایستادند.^۲

البته می‌توان در این جریان افرادی را یافت که گرایش‌های دینی دارند؛ مانند سید جمال‌الدین اسدآبادی و شیخ محمد عبد. با این تفاوت که عبد، به نسل سنت‌گرای پس از خود نزدیکتر است.

روح اصلی اصلاح‌گری سید جمال، تجدد و ترقی است. او به دنبال این است که مسلمانان نیز در این دنیای جدید و تمدن آن سهمی به‌دست آورند^۳ بر همین اساس او بر عناصر تمدن غرب یعنی علم، عقل، آزادی، احزاب سیاسی و مطبوعات تأکید می‌کند.^۴ بر این اساس او هر چند درک عمیق‌تری از تمدن اروپایی دارد ولی بین مدرنیته و سنت دینی تضادی نمی‌بیند.^۵ البته او همه علوم اسلامی قدیم را کما بیش مخدوش و کهنه و بدون اثر می‌داند.^۶

سید جمال با دولت‌های اسلامی رابطه خوبی داشت و ضمن تأکید بر وحدت اسلامی بر مبارزه با سلطه غرب تأکید داشت.^۷ او با تأکید بر استفاده از دستاوردهای علمی و صنعتی غرب، تقلید از غرب را رد می‌کرد.^۸ او می‌کوشید از راه اثبات اینکه

خاورمیانه در قرن بیستم، ژان پیر درینیک، ترجمه فرنگیس اردلان، ص ۴۰، نشر جاویدان، تهران، ۱۳۶۸؛ تاریخ خاورمیانه، پیتر منسفیلد، ترجمه عبدالعلی اسپهبدی، صص ۸۲ و ۱۰۴.

۱. ر.ک: گرایش‌های سیاسی در جهان عرب، مجید خدوری، ترجمه عبدالرحمن عالم، ص ۳، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، تهران، ۱۳۶۶.

۲. برای نمونه ر.ک: عمر مختار، محمود شبلی، ترجمه محمد سارلی، ص ۹، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، ۱۳۷۲؛ نهضت شیعیان در انقلاب اسلامی عراق، ترجمه کاظم چایچیان، ص ۷۲، امیر کبیر، تهران، ۱۳۶۴؛ خاورمیانه در قرن بیستم، ژان پیر درینیک، ترجمه فرنگیس اردلان، صص ۱۲۶ و ۱۳۴.

۳. ر.ک: العروة الوثقی، سید جمال‌الدین اسدآبادی، به کوشش سید هادی خسرو شاهی، صص ۶۱ - ۶۸ مرکز البحوث الاسلامیه، قم، ۱۴۲۱ق.

۴. ر.ک: الاصولیه الاسلامیه، حسن حنفی، ص ۲۰، مکتبه مدبولی، قاهره، بی‌تا.

۵. ر.ک: مجموعه رسائل و مقالات، سید جمال‌الدین اسدآبادی، به کوشش سید هادی خسرو شاهی، صص ۱۰۴ و ۱۱۸ و ۱۹۷، انتشارات کلبه شروق، ۱۳۸۱.

۶. برای نمونه ر.ک: همان، صص ۱۳۲ - ۱۳۴.

۷. ر.ک: مجموعه رسائل و مقالات، سید جمال‌الدین اسدآبادی، ص ۱۲۱.

۸. ر.ک: روشنفکران عرب و غرب، هشام شرابی، ترجمه عبدالرحمن عالم، ص ۳۷.

اندیشه‌ها و نهادهای بهتری دارد با اروپا بستیزد.^۱

در ادامه شیخ محمد عبده برخلاف سید جمال که روحیه‌ای انقلابی داشت، به‌عنوان یک اصلاح‌گر ظاهر شد و به رشیدرضا اندیشمند پس از خود نزدیکتر می‌شود. مسئله اساسی در اندیشه اسلامی افرادی مانند سید جمال و محمد عبده، جنبش و پیشرفت است درحالی‌که مسئله اساسی اندیشه متأخرتر هویت، ضرورت‌ها، روش‌ها و ابزارهای حفظ آن است.^۲

ب) ملی‌گرایی

استعمار در مقابل این قیام‌های مردمی، برای جلوگیری از ابعاد ضدغربی و اسلامی آن، علاوه بر حذف فیزیکی سران نهضت‌ها^۳ و هدایت اهداف و انگیزه قیام‌ها به سمت لیبرال دموکراسی^۴، انقلابیون به‌خصوص عرب‌ها را به ناسیونالیسم ترغیب کرد.^۵ این گرایش بر ارزش‌های ملی و نژادی تمرکز داشت و اسلام را در درجه دوم و حتی ابزاری در خدمت ملی‌گرایی می‌دانست.

انقلاب‌های ناسیونالیستی که با ایده‌های سوسیالیستی نیز همراه بودند هر چند در ابتدا موفقیت زیادی کسب کردند^۶ ولی در عمل تجزیه امپراطوری عثمانی را تسهیل و تسریع نمود و نتوانست مشکلات اقتصادی کشورهای اسلامی را حل کند^۷ و در نهایت به استبداد ختم شد.^۸

۱. ر.ک: همان، صص ۶۰ و ۶۱.

۲. ر.ک: سیاسیات الاسلام المعاصر، مراجعات و متابعات، رضوان السید، ص ۸۷ دارالکتب العربی، بیروت، ۱۹۹۷م.

۳. ر.ک: شارل روبر آژرون، تاریخ معاصر الجزایر، ترجمه منوچهر بیات مختاری، ص ۲۹، دانشگاه فردوسی، مشهد، ۱۳۶۵.

۴. ر.ک: گرایش‌های سیاسی در جهان عرب، مجید خدوری، ترجمه عبدالرحمن عالم، صص ۳۸ و ۴۲؛ تاریخ خاورمیانه، پیتر منسفیل، ترجمه عبدالعلی السهیدی، صص ۱۴۸ و ۱۵۰.

۵. ر.ک: گرایش‌های سیاسی در جهان عرب، مجید خدوری، ترجمه عبدالرحمن عالم، صص ۱۵، ۲۷، ۵۱، ۶۳.

۶. انقلاب ایران و تحولات سیاسی جهان عرب، کارل فیست، ترجمه داوود علمایی، ص ۲۵، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران، دانشکده فرماندهی و ستاد معاونت پژوهش، تهران، ۱۳۸۰؛ خاورمیانه در قرن بیستم، ژان پیر درینیک، ترجمه فرنگیس اردلان، ص ۲۶۱.

۷. ر.ک: انقلاب ایران و تحولات سیاسی جهان عرب، ص ۲۸؛ خاورمیانه در قرن بیستم، ژان پیر درینیک، ترجمه فرنگیس اردلان، ص ۱۳۰.

۸. ر.ک: اسلام در انقلاب، جنبش‌های اسلامی معاصر در جهان عرب (بررسی پدیده بنیادگرایی اسلامی)، هرایر دکمچیان، حمید احمدی، صص ۱۵۰ - ۱۵۵.

ج) بازگشت به ارزش‌های اسلامی (اسلام‌گرایان)

پس از شکست ایده‌های غرب‌گرایانه و ملی‌گرایانه، مسلمانان اعتلای تمدن اسلامی را در بازگشت به اصول و ارزش‌های دینی یافتند. گرایش اسلام‌گرا را می‌توان در دو سطح طبقه‌بندی و بررسی کرد.

۱- سنت‌گرایان

این گرایش در مقابل گروه اول (غرب‌گرایان) که دین را عامل عقب‌ماندگی مسلمانان^۱ و تنه‌اراه نجات را الگوبرداری از غرب می‌دانستند^۲، بر بازگشت به گرایش‌های اصیل اسلامی و دوری از مظاهر تمدن غربی تأکید داشتند.^۳ از این‌رو در امور اجتماعی و سیاسی دخالت زیادی نداشتند و بیشتر دین را در امور فردی پیگیری می‌کردند.

رشیدرضا یکی از نامداران این تفکر در جهان عرب است که از اصلاح‌گری، نواندیشی و ترقی‌خواهی افرادی مثل سید جمال و محمد عبده فاصله دارد^۴ او با اصرار بر اصلاح خلافت سنی و اعاده آن به شکلی که در صدر اسلام معمول بود^۵، به دنبال بازسازی نظام اسلامی بود که به آن عناصری از آرمان‌گرایی صدر اسلام افزوده می‌شد.^۶ رشید رضا با گرایش به وهابیت از اندیشه وحدت سید جمال فاصله گرفت.^۷

۱. ر.ک: سیاسیات الاسلام المعاصر، مراجعات و متابعات، رضوان السید، ص ۴۲، گرایش‌های سیاسی در جهان عرب، مجید خدوری، ترجمه عبدالرحمن.

۲. سید قطب در کتاب «معالم فی الطریق» (نشانه‌های راه) فصلی را با عنوان «اسلام، خود تمدن است» در پاسخ این افراد نگاشته است. (معالم فی الطریق، سید قطب، ترجمه محمود محمودی).

۳. سید قطب کتاب «شبهات حول الاسلام» را در پاسخ به این افراد نوشت. ر.ک: اسلام و نابسامانی‌های روشنفکران، سید قطب، ترجمه محمد عابدی.

۴. ر.ک: گرایش‌های سیاسی در جهان عرب، مجید خدوری، ص ۷۶؛ الاصولیة الاسلامیة، حسن حنفی، ص ۴۲.

۵. ر.ک: سیری در اندیشه سیاسی عرب، حمید عنایت، ص ۱۵۷.

۶. ر.ک: گرایش‌های سیاسی در جهان عرب، مجید خدوری، ص ۷۹؛ اندیشه سیاسی در اسلام معاصر، حمید عنایت، ترجمه بهاء‌الدین خرمشاهی، صص ۱۲۸ - ۱۵۱، خوارزمی، تهران، ۱۳۷۲.

۷. ر.ک: روشنفکران عرب و غرب، هشام شرابی، ترجمه عبدالرحمن عالم، صص ۲۵ و ۱۲۴؛ السنه و الشیعه، محمدرشید رضا، صص ۵۴ - ۵۹، بی‌نا، قاهره، ۱۳۶۶ ق.

همچنین او با انتقاد شدید از فرمانروایان اسلامی^۱، نسبت به غرب نظری ستیزه جویانه دارد.^۲ او با اندیشه‌های ناسیونالیستی آشکارا و به شدت مخالفت کرد.^۳

۲- تمدن گرایان

در مقابل سنت‌گرایان و تجددگرایان*، گروه دیگری تشکیل شدند که می‌توان آنها را «تمدن‌گرا» نامید. این گروه مباحث جدیدی درباره تعریف دین، کارکرد و محدوده دین، تعامل دنیا و آخرت، ارتباط با علم و جایگاه عقل، وحی و تجربه در نظام معرفتی بشر مطرح کردند.

این گروه با ارائه تفسیر جدیدی از دین و سنت، ضمن اینکه برای اسلام مبانی و ابعاد تمدنی قائل شدند، در مورد غرب نیز قائل به تفصیل شدند و ظواهر علمی و تکنولوژی غرب را از مبانی فرهنگی و معرفت‌شناختی آن تمییز دادند.

تمدن‌گرایان با چنین رویکردی تحولی در عرصه حضور اجتماعی دین ایجاد و با رد تمرکز و انحصار دین در ابعاد فردی، براساس اصول اسلامی، بنای اجتماعی و فرهنگی جدیدی را پایه‌ریزی کردند. اندیشمندانی همچون امام خمینی، شهید محمدباقر صدر و سید قطب در این بخش قرار می‌گیرند که اندیشه جدیدی را در مقابله با غرب و اعتلای تمدن اسلامی مطرح نمودند. امام خمینی با نوشتن کتاب ولایت فقیه و شهید صدر با نوشتن کتاب اقتصادنا و کتاب فلسفتنا، ابعاد تمدنی اسلام را بازگو کردند.

سید قطب نیز در این راستا آثار متعددی نگاشت: ۱. المستقبل لهذا الدین (آینده در قلمرو اسلام)؛ ۲. الاسلام و مشکلات الحضارة، (اسلام و مشکلات تمدن)؛ ۳. خصائص التصور الاسلامی و مقوماته، (ویژگی‌های ایدئولوژی اسلامی و پایه‌های آن)؛ ۴. نحو مجتمع اسلامی (به سوی یک جامعه اسلامی)؛ ۵. العدالة الاجتماعية فی الاسلام (عدالت اجتماعی در اسلام)؛ ۶. دراسات اسلامیه (اسلام و مسائل روز).

۱. رک: گرایش‌های سیاسی در جهان عرب، مجید خذوری، صص ۷۸ و ۷۹.

۲. رک: روشنفکران عرب و غرب، هشام شرابی، ترجمه عبدالرحمن عالم، ص ۱۱۴.

۳. رک: همان، ص ۱۲۶.

*. رک: سید قطب و بیداری اسلامی، فائز ابراهیم محمد، صص ۱۱ - ۱۶، تهران، نشر احسان، چاپ اول، ۱۳۸۴.

افزون بر این افرادی مانند محمد قطب، با کتاب «جاهلیت قرن بیستم»، ابوالحسین ندوی با کتاب «ماذا خسر العالم بانحطاط المسلمین» و علامه محمد حسین طباطبایی و آیت الله مطهری با کتاب «اصول فلسفه و روش رئالیسم» به تبیین ابعاد فرهنگی و مبانی نظری تمدن اسلامی کمک کردند و مسلمانان را به نگرشی جدید برای کسب اعتلای از دست رفته فرا خواندند.

موج دوم: نهضت‌سازی و جنبش

تفکرات گرایش تمدن‌گرا، مسلمانان را وارد مرحله جدیدی از نهضت اسلامی کرد که دین را مبنای مبارزه و اصلاح سیاسی و اجتماعی قرار می‌داد. البته نگرش‌های تجدیدگرا و ملی‌گرا^{*} نیز نهضت‌هایی را پایه‌ریزی کردند ولی نتوانستند در مسیر مبارزه با استعمار و استبداد موفقیت زیادی کسب کنند و مردم را با خود همراه سازند. به این ترتیب با تقویت جنبه‌های مردمی، نهضت‌های مبارزاتی مسلمانان برای تحقق چشم‌انداز جامعه اسلامی وارد مرحله جدید شد.^۱ این نهضت‌ها در تمام جوامع اسلامی ایجاد شدند و به طبقه خاصی از اجتماع اختصاص نداشتند و سازماندهی و تشکیلات جایگزین حرکت‌های فردی شدند.^۲

از دهه ۱۹۶۰م شکل‌گیری گروه‌های اسلام‌گرا در کشورهای اسلامی آغاز می‌شود که از اواخر دهه ۱۹۸۰م برکمیت و کیفیت آنها افزوده می‌شود به‌طوری که بیداری اسلامی در شرایط کنونی تا حد زیادی حاصل فعالیت این گروه‌ها در پنجاه سال اخیر است.^۳

اخوان المسلمین مصر را می‌توان نقطه عطفی در جریان نهضت‌های اسلامی دانست^۴ حسن البنا، بنیان‌گذار اخوان المسلمین درباره اصلاح‌گران اسلامی چنین نظر می‌دهد.

*. حتی برخی افول ناسیونالیسم را از زمینه‌های مرحله دوم بیداری اسلامی می‌دانند. (ر.ک: همان، ص ۹۶).

۱. ر.ک: تمدن برتر: نظریه تمدنی بیداری اسلامی و طرح عالم دینی، موسی نجفی، صص ۱۹۱ - ۱۹۷.

۲. ر.ک: موج سوم بیداری اسلامی، عبدالله گنجی ارجنتی، صص ۱۳۰ - ۱۳۶.

۳. برای مطالعه بیشتر در مورد این گروه‌ها ر.ک: اسلام در انقلاب: جنبش‌های اسلامی معاصر در جهان عرب (بررسی پدیده بنیادگرایی اسلامی)، صص ۴۲۵ - ۴۵۶.

۴. ر.ک: اندیشه سیاسی در اسلام معاصر، حمید عنایت، ص ۱۵۸.

«اسدآبادی فقط یک فریاد هشدار برای مشکلات است و شیخ محمد عبده فقط یک معلم و فیلسوف و رشیدرضا فقط یک تاریخ نویس و وقایع نگار است، درحالی که اخوان المسلمین، به معنای جهاد، تلاش و کار است و فقط یک پیام نیست.^۱ از باورهای اساسی اخوان المسلمین قدرت تفوق ناپذیر اسلام برای حل مسائل اجتماعی و سیاسی مسلمانان است.^۲

سید قطب از نمایندگان برجسته فکری اخوان المسلمین است. از نظر او تنها حاکمیت قانونی و مشروع، حاکمیت خداوند است.^۳ سید قطب با طرح ثنویت «جامعه اسلامی» و «جامعه جاهلی»، راه رسیدن به جامعه اسلامی را عمل انقلابی می‌داند نه اندیشه‌های انتزاعی.^۴

سید قطب با تعریف مجدد واژه‌های توسعه و توسعه نیافتگی، بهره‌مندی از اخلاقیات را معیارهایی برای پیشرفت و توسعه می‌داند.^۵ از اینجا تفاوت اساسی او با پیش‌گامان اسلام‌گرایی که برتری و پیشرفت تمدن اروپایی را پذیرفته بودند، نمایان می‌شود. به این ترتیب می‌توان گرایش تمدن‌گرایی را به گفته بابی سعید، مرکززدایی از غرب دانست که براساس آن ذهنیت تدافعی و پوزش‌طلبانه که در نخستین گرایش‌های بیداری اسلامی شکل گرفته بود، فرو می‌پاشد و روایتی از مدرنیته شکل می‌گیرد که به غرب محوری ختم نمی‌شود.^۶

هر چند سید قطب آثار متعددی در ابعاد سیاسی و اجتماعی اسلام نوشت و به همین دلیل اعدام شد، ولی امام خمینی بزرگ‌ترین شخصیت اسلامی است که ضمن

۱. اخوان المسلمین، بهمن آقایی و خسرو صفوی، ص ۲۱، نشر رسام، تهران، ۱۳۶۵.

۲. ر.ک: اندیشه سیاسی در اسلام معاصر، حمید عنایت، ص ۱۵۷.

۳. ر.ک: معالم فی الطریق، سید قطب، صص ۶۰ و ۶۱ و ۱۱۶ و ۱۱۷، دارالشرق، بیروت، قاهره، ۱۹۸۰م.

۴. همان، صص ۶۰ و ۶۱.

۵. ر.ک: «دور هیافت متفاوت در جریان بازگشت به اسلام در جهان عرب»، ل.م. سافی، ترجمه سید احمد موقفی، ص ۲۷۴، فصل‌نامه علوم سیاسی، ش ۱۲، زمستان ۱۳۷۹.

۶. ر.ک: هراس بنیادین، اروپا ملاری و ظهور اسلام‌گرایی، بابی سعید، ترجمه غلامرضا جمشیدی‌ها و موسی عنبری، صص ۱۱۴ - ۱۴۸ و ۱۶۱، موسسه انتشارات دانشگاه تهران، تهران، چاپ دوم، ۱۳۹۰.

۷. زینب الغزالی، رئیس شاخه زنان اخوان المسلمین مصر می‌گوید: «اگر خواستید بدانید چرا سید قطب را به دار آویختند، کتاب

تبيين ابعاد سياسى و اجتماعى اسلام، به‌عنوان يك رهبر دينى، زعامت سياسى را نيز در دست گرفت و نهضت اسلامى مردم ايران را به پيروزى رساند و اين بزرگ‌ترين توفيقى بود كه در ساير كشورها اتفاق نيفتاد. بنا بر اين شاخص‌ترين شخصيت در اين مرحله بيدارى اسلامى امام خمينى است. امام خمينى سياست را با ديانت در هم آميخت و به فقه و عرفان ذيل سياسى اجتماعى پرداخت. ايشان علاوه بر ترسيم اين مبانى و نظام فكرى^۱، بر جهات بين‌المللى نهضت نيز تاكيد داشت و با صدور ارزش‌ها و مدل انقلاب جهان اسلام را تحت تاثير نهضت اسلامى خود قرار داد. به اين ترتيب امام خمينى علاوه بر اينكه براى همه گروه‌هاى چپ‌گرا، مليون، اهل سنت، و توده مردم قابل قبول بود، به الگوى مبارزاتى و شخصيتى بين‌المللى تبديل شد.^۲

اکنون اسلام سياسى در جهان اسلام حضورى پررنگ دارد كه هر رژيمى را در برابر چالش اسلام‌گرایی آسیب‌پذير مى‌نماید. به روشنى پيدااست كه يك انقلاب فرهنگى در اين كشورها رخ داده است، جايى كه تاثير اسلام‌گرایی از محدوده حيات مذهبى فراتر مى‌رود تا بر جهت‌گيرى روانى، روابط اجتماعى، امور اقتصادى و خود فرآيند سياسى نفوذ كند. در حقيقت اسلام‌گرايان در تعيين چارچوب گفتمان سياسى موفق شده‌اند و حتى برنامه‌هاى ملي را تعيين کرده و با شعارهاى خود رسانه‌هاى گروهى را تحت تاثير قرار داد. و ايدئولوژى‌هاى غير مذهبى مانند ناسيوناليسم عرب، سوسياليسم و ليبراليسم دموكراتيك را از صحنه حذف کرده‌اند.^۳

موج سوم: تشكيل حكومت (نظام‌سازى سياسى)

نهضت‌هاى اسلام گرايانه پس از پيروزى بايد نظامى سياسى براى اداره و حكومت

المعالم فى طريق را بخوانيد». «ر.ك: ايام من حياتى، زينب الغزالى، بيروت، قاهره، ۱۹۷۹).

۱. ر.ك:

۲. براى نمونه ر.ك: امام خمينى و انتفاضه فلسطين، حميد پاشاپور يوالارى، مركز اسناد انقلاب اسلامى، تهران، ۱۳۸۱؛ انقلاب اسلامى و بازتاب جهانى آن، جان. ال. اسپوزيتو، ترجمه محسن مدير شانه‌چى، انتشارات باز، تهران، ۱۳۸۲؛ انقلاب اسلامى و جنبش‌هاى اسلامى معاصر، حمزه امراى، مركز اسناد انقلاب اسلامى، تهران، ۱۳۸۲؛ بازتاب جهانى و انقلاب اسلامى، منوچهر محمدى، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامى، تهران، ۱۳۸۶.

۳. ر.ك: اسلام در انقلاب: جنبش‌هاى اسلامى معاصر در جهان عرب (بررسى پديده بنيادگرایی اسلامى)، ص ۳۷۹.

بر جامعه طراحی و اجرا نمایند. بر این اساس مسلمانان باید در مقابل نظام لیبرال دموکراسی یک نظام سیاسی براساس اصول و تعالیم دینی بنیان نهند.^۱

به عبارت دیگر جنبش‌های اسلامی برای تداوم مسیر خود و بقاء در صحنه مبارزات سیاسی و اجتماعی باید در اداره جامعه وارد شوند و در امور حکومتی مشارکت کنند. این مسئله با توجه به فضای سیاسی، اجتماعی و فرهنگی کشورهای اسلامی از تشکیل احزاب و شرکت در انتخابات و اختصاص برخی از کرسی‌های پارلمانی تا تشکیل حکومت تمام عیار اسلامی متفاوت است.^۲ به این ترتیب می‌توان گفت تنها راه نجات مسلمانان از استعمار و استبداد و راه تحقق احکام همه جانبه اسلامی برپایی دولت توانمند دینی* است نه دین دولتی.^۳ بهترین نمونه این مرحله از بیداری اسلامی جمهوری اسلامی ایران است که با سرنگونی حکومت شاهنشاهی، حکومتی دینی و اسلامی را مستقر کرده است. جالب اینکه ایران با وجود اینکه مرحله نهضت و جهاد را دیرتر یا ضعیف‌تر آغاز کرد ولی مرحله ایجاد حکومت را به سرعت و قدرت به انجام رساند. قبل از این اندیشمندان جهان اسلام مبانی نظری تشکیل حکومت اسلامی را تبیین نموده بودند.

در جهان تسنن دعوت به بازگرداندن عنصر خلافت به عنوان محور تشکیل حکومت اسلامی، توسط اندیشمندان گوناگونی مطرح گردید؛ رشیدرضا، از پایه‌گذاران تفکر سلفی، موضوع خلافت را به صورت جدی مطرح کرد. در این زمینه، پیشنهاد عملی وی تشکیل حکومت فراگیر اسلامی به مرکزیت موصل و بیعت با «امام هادی»، امام زیدی یمن در عصر رشیدرضا، به عنوان خلیفه مسلمان بود.

۱. ر.ک: تمدن برتر: نظریه تمدنی بیداری اسلامی و طرح عالم دینی، موسی نجفی، صص ۱۹۵ - ۲۰۰.

۲. ر.ک: موج سوم بیداری اسلامی، عبدالله گنجی ارجنکی، صص ۱۹۱ - ۲۱۹.

*. دین دولتی ناظر به جامعه‌ای است که مردم مسلمان هستند ولی حکومت دینی نیست (حکومت سکولار) ولی اگر دولت براساس ارزش‌های دینی تشکیل شود که تحقق احکام اسلام را در دستور کار خود قرار دهد آنگاه دولت دینی تشکیل می‌شود.

۳. ر.ک: سکولاریسم اسلامی، نقدی بر دیدگاه روشنفکران مسلمان، منصور میر احمدی، فصل اول، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم، ۱۳۸۷.

در حوزه تشیع، آیت الله نائینی اندیشه تشکیل حکومت اسلامی در عصر جدید را در کتابی با نام تنبیه الامه و تنزیه المله مطرح کرد و امام خمینی با طرح موضوع ولایت فقیه شکل امروزی نظریه حکومت اسلامی را مطرح نمود.

علاوه بر این کوشش‌های نظری، تلاش‌های عملی نیز برای تشکیل حکومت اسلامی انجام شد. در شمال نیجریه، عثمان دان فودیو، در آغاز سده نوزدهم میلادی، یک حکومت اسلامی تأسیس کرد که نزدیک به یک سده تداوم داشت. در حوزه تسنن، اقدام‌های موفق و نیمه موفق دیگری نیز صورت گرفت. در سودان حسن الترابی، از گروه اخوان المسلمین، به عنوان نظریه‌پرداز تشکیل حکومت اسلامی، به کمک حسن عمر البشیر حکومت غیر دینی جعفر نمیری را سرنگون کرد و در آن کشور حکومت اسلامی با داعیه «اجرای شریعت» تشکیل داد. در ترکیه، نجم‌الدین اربکان، حزب رستگاری ملی (رفاه) را، با اندیشه اعلام نشده (از ترس ژنرال‌های ارتش) حکومت اسلامی، تأسیس کرد که با کوشش بسیار و تغییر مکرر شیوه، سرانجام حکومتی ائتلافی با تانسو چیلر تشکیل داد که از بارزترین نمادهای آن بازگرداندن حجاب بانوان، تشکیل نماز جماعت در ادارات و توسعه مدارس امام خطیب بود. این راه را حزب فضیلت اسلامی به رهبری رجب طیب اردوغان تا آنجا ادامه داد که سرانجام اسلام‌گرایان ترکیه هر دو پست نخست‌وزیری و ریاست جمهوری را با اتکا به آرای مردم به دست گرفتند.

در الجزایر جبهه نجات اسلامی به رهبری عباس مدنی، برای تأسیس حکومت اسلامی شکل گرفت و به سرعت گسترش یافت، به گونه‌ای که در انتخابات شهرداری‌ها در همه شهرهای الجزایر، اکثریت آرای مردم را به دست آورد. در حوزه تشیع، آیت الله سید عبدالحسین لاری، در اوایل سده بیستم میلادی، حکومت اسلامی را بر مبنای ولایت فقیه در جنوب ایران تشکیل داد.

شاید بتوان حکومت میرزا کوچک‌خان جنگلی در چارچوب «حزب اتحاد اسلام» در گیلان را با تسامح، یکی از نمونه‌های ناقص تأسیس حکومت اسلامی به‌شمار آورد.

اقدامی ناقص که در زمان ضیاءالحق برای تصویب «لایحه شریعت» در مجلس به عمل آمد و تغییر نام پاکستان به جمهوری اسلامی پاکستان می‌تواند بخشی از کوشش‌های صورت گرفته برای تأسیس حکومت اسلامی به‌شمار آید.

افزون بر این موارد نمونه‌های دیگری را در جنبش‌های اسلامی می‌توان یافت که علی‌رغم تفاوت‌های فراوان در مبانی سیاسی، فقهی و دینی در برپایی حکومت اسلامی مشترکند، مانند طالبان، داعش و یا زیدیه در یمن. در مجموع با دیدی بسیار کلان و کلی می‌توان گفت امروز به لحاظ مفهومی، جنبش‌های اسلامی در سطح سیاسی و فکری در آرزوی برپایی حکومت اسلامی «اشتراک اعتقادی یا ایدئولوژیک دارند».^۱

الگوی تکامل یافته بیداری اسلامی در اسلام سیاسی نهفته شده است به عبارت دیگر با عبور از مراحل نظری و تئوریک و ورود به عرصه عملی، به نوعی، اسلام سیاسی متولد می‌شود.

در اسلام سیاسی، اسلام به ایدئولوژی‌ای برای مقاومت، مقابله، مبارزه و انقلاب جهت تغییر و براندازی نظم موجود داخلی و بین‌المللی (استعماری - استکباری) و نیز طراحی، در انداختن، استقرار و برقراری نظم نوین مبتنی بر اسلام برای ساختن جامعه و حکومتی اسلامی تبدیل می‌شود. در نتیجه اسلام سیاسی مولود جامعه مدرن و متجدد و یا به عبارت دیگر، از نتایج راه یافتن تجدد در جوامع اسلامی است.^۲

موج چهارم: تمدن اسلامی

سه موج قبلی زمینه موج چهارم را ایجاد کرد. در واقع تکامل عینی سه مرحله قبل در تمدن اسلامی بروز می‌یابد.

مرحله چهارم بیداری اسلامی و نتیجه تشکیل حکومت اسلامی و نظام‌سازی

۱. ر.ک: آینده جنبش‌های اسلامی پس از ۱۱ سپتامبر، رفعت سید احمد، عمرو الشوبکی، ترجمه میثم شیروانی، صص ۲۱ - ۲۳، دانشگاه امام صادق ۷، تهران، ۱۳۷۸، همچنین ر.ک: اسلام در انقلاب: جنبش‌های اسلامی معاصر در جهان عرب (بررسی پدیده بنیادگرایی اسلامی)، هرابرد کمجیان، ترجمه حمید احمدی، صص ۱۱۲ و ۱۱۳.
۲. بیداری اسلامی در نظر و عمل، به کوشش (ویراستار علمی) دکتر اصغر افتخاری، «بیداری اسلامی و مقاومت اسلامی در اراضی اشغالی (سال ۱۹۴۸)»، کسری صادقی زاده، صص ۳۴۰ و ۳۴۱.

سیاسی، ایجاد تمدن اسلامی است. حلقه‌های زنجیر بیداری اسلامی به یکدیگر متصلند و برای تکمیل و بقای هر مرحله گریزی از اجرای مرحله بعد نیست. بر این اساس چشم‌انداز بیداری اسلامی را تمدن اسلامی در نظر می‌گیریم که برای حفظ حکومت و نظام سیاسی باید به افق و اعتلای تمدنی اسلام فکر کرد.^۱

به عبارت دیگر غرب به عنوان یک تمدن در مقابل اسلام، قدرت تمدنی خود را با استعمار جهان اسلام به رخ کشید. بیداری اسلامی حساسیت و مقاومتی در این رخ‌کشی تمدنی بود. بنابراین برای رسیدن به این مرحله نهایی باید مراحل قبل را به قدرت و دقت انجام دهد این مراحل را می‌توان به ترتیب چنین ذکر کرد: بیداری اسلامی پس از اینکه «خدا محوری» را در مقابل «انسان محوری» نظام سکولار غرب مطرح کرد، در صحنه سیاسی و اجتماعی نیز با ارائه نظریاتی مانند ولایت فقیه و مردم سالاری دینی، نظام لیبرالیستی را به چالش کشید و در پایان باید با استقرار تمدن اسلامی این مبانی را حفظ کند و انسجام بخشد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

نتیجه گیری

فهم چستی پدیده‌های اجتماعی وابسته به عوامل متعددی است که مؤثرترین آنها را می‌توان بستر معرفتی این شناخت یا به عبارتی فلسفه تاریخی دانست که با پیش فرض‌های هستی‌شناسانه، درکی کلان‌تر را از تحولات اجتماعی در بستر تاریخ بشری فرا روی انسان قرار می‌دهد. به این ترتیب پدیده‌ها فرا رخدادی فهم می‌شود و رویدادها پیوسته و در یک نظام کاوش می‌شود.

بر این اساس و با توجه به نظریه فطری تکامل تاریخ که بر تقدیر دینی تاریخی نظر دارد^۱، بیداری اسلامی را می‌توان با دید فلسفه تاریخ در دیدگاهی کلان بررسی کرد. براساس این دیدگاه جنبش‌های اسلامی، در راستای اهتزاز تمدن اسلامی و غلبه ایمان و اسلام بر کفر جهانی قابل تحلیل است.^۲

آنچه بیداری اسلامی را با پیوستاری سیاسی-اجتماعی در بستر تاریخ اسلامی در ارتباط با سایر تحولات جهان اسلام معنا می‌بخشد، گرایش تمدن‌گرایانه است که اسلام را در صدد برعهده گرفتن و تحقق ابعاد سیاسی و اجتماعی دین نشان می‌دهد.

بیداری اسلامی امروزه هرچند ابعاد اقتصادی و سیاسی نیز دارد ولی وجه بارز و اصلی آن که سایر ابعاد را نیز تحت تاثیر قرار داده است، هویت‌طلبی مسلمانان در راستای دست‌یابی به عزت تمدنی است؛ عزتی که در قرون قبلی مسلمانان با تمسک به تعالیم اسلامی و انسجام امت اسلامی از آن برخوردار بودند. از این رو نهضتی همه-جانبه بر اساس تعالیم دینی را در دستور کار قرار داده‌اند تا مجدداً آن دوران را ایجاد کند و همه این موارد در بستر و نگاه کلان تمدن‌خواهی اسلامی قابل تحلیل است. از این رو بیداری اسلامی در طول دو قرن اخیر هرچه جلوتر رفته بر جنبه‌های سیاسی-اجتماعی و تمدنی آن افزوده و از جنبه فردی آن کاسته شده است.

۱. برای نمونه رک: قیام و انقلاب مهدی از دیدگاه فلسفه تاریخ، مرتضی مطهری، صص ۱۴ - ۶۸ صدر، تهران، ۱۳۸۷.
۲. برای مطالعه بیشتر رک: مقالات برگزیده همایش نظریه بیداری اسلامی در اندیشه سیاسی حضرت آیت الله العظمی امام خمینی و حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای، «پیکر بندی دیدگاه‌های آیت الله خامنه‌ای درباره بیداری اسلامی بر پایه انکارهای فلسفه تاریخ»، متین محجوب، صص ۱۱ - ۴۱.

منابع

۱. «دور هیافت متفاوت در جریان بازگشت به اسلام در جهان عرب»، ل.م. سافی، ترجمه سید احمد موثقی، فصل‌نامه علوم سیاسی، ش ۱۲، زمستان ۱۳۷۹.
۲. اخوان المسلمین، بهمن آقایی و خسرو صفوی، نشر رسام، تهران، ۱۳۶۵.
۳. از اوگوستن تا گالیه، علم در اواخر قرون وسطی و اوایل قرون جدید، آسی. کرومبی. ترجمه احمد آرام، تهران، ۱۳۷۳.
۴. اسلام در انقلاب: جنبش‌های اسلامی معاصر در جهان عرب (بررسی پدیده بنیادگرایی اسلامی)، هرایرد کمجیان، ترجمه حمید احمدی، کیهان، تهران.
۵. الاصولیة الاسلامیة، حسن حنفی، مکتبه مدبولی، قاهره، بی‌تا.
۶. امام خمینی و انتفاضه فلسطین، حمید پاشاپور یولاری، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، تهران، ۱۳۸۱؛ انتقال علوم یونانی به عالم اسلامی، دلیسی اونز اولیری، ترجمه احمد آرام، دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۴۲.
۸. اندیشه سیاسی در اسلام معاصر، حمید عنایت، ترجمه بهاء‌الدین خرمشاهی، خوارزمی، تهران، ۱۳۷۲.
۹. اندیشه سیاسی معاصر در جهان عرب، فرهنگ رجایی، مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه، تهران، ۱۳۸۱.
۱۰. اندیشه واقع‌گرای ابن خلدون، ناصف نصار، ترجمه یوسف رحیم‌لو، مرکز نشر دانشگاهی، تهران، ۱۳۶۷.
۱۱. انقلاب اسلامی و بازتاب جهانی آن، جان. ال. اسپوزیتو، ترجمه محسن مدیر‌شانه‌چی، انتشارات باز، تهران، ۱۳۸۲؛
۱۲. انقلاب اسلامی و جنبش‌های اسلامی معاصر، حمزه امرائی، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، تهران، ۱۳۸۲؛
۱۳. انقلاب ایران و تحولات سیاسی جهان عرب، کارل فیست، ترجمه داوود علمایی، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران، دانشکده فرماندهی و ستاد معاونت پژوهش، تهران، ۱۳۸۰.
۱۴. ایام من حیاتی، زینب الغزالی، بیروت، قاهره، ۱۹۷۹.
۱۵. آینده جنبش‌های اسلامی پس از ۱۱ سپتامبر، رفعت سید احمد، عمرو الشوبکی، ترجمه میثم شیروانی، دانشگاه امام صادق ۷، تهران، ۱۳۷۸.
۱۶. آینده‌نگری بیداری اسلامی، احمد رضایی، نهضت نرم‌افزاری (وابسته به انتشارات انقلاب اسلامی)، تهران، ۱۳۹۱.
۱۷. بازتاب جهانی و انقلاب اسلامی، منوچهر محمدی، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، تهران، ۱۳۸۶.
۱۸. بیداری اسلامی در نظر و عمل، به کوشش (ویراستار علمی) دکتر اصغر افتخاری، «بیداری اسلامی و مقاومت اسلامی در اراضی اشغالی (سال ۱۹۴۸)»، کسری صادقی زاده.
۱۹. پدرسالاری جدید، نظریه‌ای درباره تغییرات تحریف شده در جامعه عرب، هشام شرابی، ترجمه احمد موثقی، فصل پنجم، کویر، تهران، ۱۳۸۵.
۲۰. پویایی فرهنگ و تمدن اسلام و ایران (پیدایش و شکوفایی)، علی اکبر ولایتی، ج ۱، مرکز اسناد و

- تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه، تهران، چاپ اول، ۱۳۸۶.
۲۱. تاریخ تحلیلی اسلام تا پایان امویان، سید جعفر شهیدی، مرکز نشر دانشگاهی، تهران، ۱۳۶۳؛
۲۲. تاریخ خاورمیانه، پتر منسفیل، ترجمه عبدالعلی السیهیدی،
۲۳. تاریخ سیاسی اسلام، رسول جعفریان، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران، ۱۳۶۹؛
۲۴. تاریخ فلسفه در اسلام، م.م. شریف، مرکز نشر دانشگاهی، تهران، ۱۳۶۲؛
۲۵. تاریخ گسترش اسلام، توماس واکر آرنولد، ترجمه ابوالفضل عزتی، دانشگاه تهران، مؤسسه انتشارات و چاپ، ۱۳۸۵
۲۶. تاریخ معاصر الجزایر، شارل روبر آژرون، ترجمه منوچهر بیات مختاری، دانشگاه فردوسی، مشهد، ۱۳۶۵.
۲۷. تحدیات لها تاریخ، محمد عماره، بیروت، المؤسسة العربیة للدراسات، ۱۹۸۲م.
۲۸. تمدن برتر: نظریه تمدنی بیداری اسلامی و طرح عالم دینی، موسی نجفی، آرما، اصفهان، ۱۳۹۰
۲۹. خاورمیانه در قرن بیستم، ژان پیر درینیک، ترجمه فرنگیس اردلان، نشر جاویدان، تهران، ۱۳۶۸؛
۳۰. خدمات متقابل اسلام و ایران، مرتضی مطهری، تهران، صدرا، ۱۳۷۰؛
۳۱. روشنفکران عرب و غرب، هشام شرابی، ترجمه عبدالرحمن عالم، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، ۱۳۶۴.
۳۲. زندگی و شرح احوال و آثار سید جمال الدین اسدآبادی، میرزا لطف الله خان اسد آبادی، سحر، تهران، ۱۳۵۶.
۳۳. سکولاریسم اسلامی، نقدی بر دیدگاه روشنفکران مسلمان، منصور میر احمدی، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم، ۱۳۸۷.
۳۴. السنه و الشیعه، محمد رشید رضا، بی نا، قاهره، ۱۳۶۶ق.
۳۵. سیاسیات الاسلام المعاصر، مراجعات و متابعات، رضوان السید، دارالکتب العربی، بیروت، ۱۹۹۷م.
۳۶. سید قطب و بیداری اسلامی، فاتر ابراهیم محمد، تهران، نشر احسان، چاپ اول، ۱۳۸۴.
۳۷. سیر تحول جنبش‌های اسلامی، حمید احمدی، تهران، دانشگاه امام صادق، ۱۳۹۰.
۳۸. سیری در اندیشه سیاسی عرب، حمید عنایت، امیر کبیر، تهران، ۱۳۷۶.
۳۹. طبایع الاستبداد، عبدالرحمن کواکبی، ترجمه عبدالحسین قاجار، به کوشش صادق سجادی، ص ۱۰۰، تهران، ۱۳۶۴.
۴۰. العروة الوثقی، سید جمال الدین اسدآبادی، به کوشش سید هادی خسرو شاهی، صص ۶۱ - ۶۸ مرکز البحوث الاسلامیة، قم، ۱۴۲۱ق.
۴۱. عمر مختار، محمود شبلی، ترجمه محمد سارلی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، ۱۳۷۲؛
۴۲. فلسفه تاریخ، مرتضی مطهری، صدرا، قم، ۱۳۶۹.
۴۳. فهم نظریه‌های سیاسی، توماس اسپریکنز، ترجمه فرهنگ رجایی، ص ۱۷، آگاه، تهران، ۱۳۷۰.
۴۴. قیام و انقلاب مهدی از دیدگاه فلسفه تاریخ، مرتضی مطهری، صدرا، تهران، ۱۳۸۷.

۴۵. گرایش‌های سیاسی در جهان عرب، مجید خدوری، ترجمه عبدالرحمن عالم، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، تهران، ۱۳۶۶.
۴۶. مجموعه رسائل و مقالات، سید جمال الدین اسدآبادی، به کوشش سید هادی خسرو شاهی، انتشارات کلبه شروق، ۱۳۸۱.
۴۷. مسائل نهضت‌های اسلامی، کلیم صدیقی، ترجمه سید هادی خسروشاهی، ص ۵۶، اطلاعات، تهران، ۱۳۷۵؛
۴۸. معالم فی الطریق، سید قطب، دارالشرق، بیروت، قاهره، ۱۹۸۰م.
۴۹. مقالات برگزیده همایش نظریه بیداری اسلامی در اندیشه سیاسی حضرت آیت الله العظمی امام خمینی و حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای، نهضت نرم‌افزاری (وابسته به انتشارات انقلاب اسلامی)، تهران، ۱۳۹۱
۵۰. موج سوم بیداری اسلامی، عبدالله گنجی ارجنکی، مؤسسه مطالعات اندیشه سازان نور، تهران، ۱۳۸۸.
۵۱. نظریه بیداری اسلامی در اندیشه سیاسی حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای، موسی نجفی، نهضت نرم‌افزاری (وابسته به انتشارات انقلاب اسلامی)، تهران، ۱۳۹۱
۵۲. نهضت شیعیان در انقلاب اسلامی عراق، ترجمه کاظم چایچیان، امیر کبیر، تهران، ۱۳۶۴؛
۵۳. هراس بنیادین، اروپا مداری و ظهور اسلام‌گرایی، بابی سعید، ترجمه غلامرضا جمشیدی‌ها و موسی عنبری، مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران، تهران، چاپ دوم، ۱۳۹۰.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی